

اسناد بین‌المللی

اشاره :

تدوین مقررات حقوقی معاهدات بین‌المللی، اولین بار در چارچوب کوششهای مؤسسات خصوصی توسط دانشگاه هاروارد مورد توجه قرار گرفت که در سال 1935 طرح معروف و شایان توجهی را در این خصوص تنظیم کرد. اما تدوین رسمی بین‌المللی آن از سال 1949 در دستور کار کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد قرار گرفت. پس از تلاشهای فراوان در سال 1966، کمیسیون متن نهایی پروژه کنوانسیون را تصویب کرد که در این کار حقوق‌دانان بزرگی چون «بریرلی»¹، «لوترپاخت»²، «فیتزمووریس»³ و «والدوک»⁴ نقش مخبر داشتند. مجمع عمومی سازمان ملل در 2166 (XXI) مورخ 5 دسامبر 1966 خود تصمیم گرفت که کنفرانس بین‌المللی مرکب از

-
1. Brierly.
 2. Lauterpacht.
 3. Fitzmaurice.
 4. Waldock.

نمایندگان تام‌الاختیار دولتها برای این منظور تشکیل شود. پس از انجام دو دوره جلسات در ماه مه سالهای 1968 و 1969 و سرانجام در 22 مه 1969 و با حضور نمایندگان صدوده کشور و ناظران چندین سازمان تخصصی بین‌المللی و چند سازمان بین‌الدولی، کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات تصویب شد و از تاریخ 23 مه 1969 برای امضا و الحاق کشورها مفتوح می‌باشد. دولت ایران در همان تاریخ آن را مضا کرده اما تاکنون کنوانسیون به تصویب قوه مقننه نرسیده است. طبق آمار دسامبر 1985 مجمع عمومی سازمان ملل متحد مندرج در مدرک شماره ST/LEG/SER. E/4 تعداد هفتاد و دو کشور عضو این کنوانسیون می‌باشند که از این تعداد فقط بیست و یک دولت آن را تصویب نموده‌اند. البته به‌موجب ماده 84 آن، از تاریخ 27 ژانویه 1980، که یک ماه پس از تسلیم سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق است، کنوانسیون قوت قانونی دارد.

کنوانسیون 1969 وین که میان حقوقدانان غربی به «معاهده معاهدات»⁵ معروف شده و

5. Traité de traités.

در حقوق بین‌الملل از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، مشتمل بر 85 ماده و یک ضمیمه و چندین اعلامیه و قطعنامه تکمیلی می‌باشد. در چارچوب ترتیبات کنوانسیون، اساسی‌ترین موضوعات حقوق بین‌الملل مطرح شده‌اند. مقدمه آن یادآور چند اصل کلی حقوق بین‌الملل مانند اصل رضایت آزادانه دولتها، اصل حُسن نیت، قاعده الزام‌آور بودن تعهدات و اصل تساوی حقوق ملتها است و در عین حال، احترام به قواعد عرفی حقوق بین‌الملل را در موارد سکوت کنوانسیون، مورد تأکید قرار داده است.

کنوانسیون پس از تعریف اصطلاحات به‌کار رفته در بخش دوم خود به چگونگی انعقاد و اجرای معاهدات می‌پردازد. مهم‌ترین مسئله در این بخش «حق شرط»⁶ می‌باشد که به‌موجب آن دولتها می‌توانند هنگام امضا، تصویب، قبول، تأیید یا عضویت در یک معاهده، تعهد خود را نسبت به ترتیبات آن مقید و مشروط سازند (ماده 19). از این لحاظ می‌توان گفت که کنوانسیون اصل حاکمیت دولتها را به‌عنوان اساس در نظر گرفته و آن را در قالب استقلال اراده

6. Réserve.

دولتها تبلور بخشیده است (مانند مواد 12، 13، 14، 15).

اصل تفکیک حقوق بین‌الملل از حقوق داخلی (ماده 46)، قواعد تفسیر معاهدات (ماده 31)، و توجه داشتن به «موضوع و هدف معاهده» که به صورت عبارتی کلیدی در چندین ماده به کار رفته است (مواد 19 و 31) از جمله مواردی دیگری هستند که همچون حق شرط، آزادی اراده دول متعاهد را تأیید می‌کنند. در بخش‌های بعدی به بیان چگونگی اجرا و تفسیر معاهدات پرداخته و مسائل تصحیح و تغییر، ابطال، الغا و تعلیق اجرایی معاهدات و روش حل و فصل اختلافات (مواد 42 تا 72) و بالاخره اموری چون اخطار، ابلاغ، تصحیح و ثبت معاهدات را مطرح‌نظر قرار داده است. لیکن آنچه به لحاظ حقوقی بین از همه اهمیت دارد و مسئله رعایت قواعد آمره حقوق بین‌الملل⁷ (مواد 53 و 64) و روش حل و فصل اختلافات بین‌المللی (ماده 72) هستند که در معاهده مذکور پیش‌بینی شده‌اند.

7. Jus cogens.

موضوع قواعد آمره حقوق بین‌الملل از مسائل مهم حقوق بین‌الملل است که به‌خصوص پس از امضای کنونسیون 1969 وین مورد توجه و بحث و جدال‌های فراوان حقوقدانان واقع گردیده است. ماده 53 می‌گوید: «هر معاهده‌ای که در زمان انعقاد در تعارض با یک قاعده آمره حقوق عام بین‌الملل باشد، کان لم یکن فرض خواهد شد. به‌موجب ترتیبات عهدنامه حاضر، قاعده آمره حقوق عام بین‌الملل قاعده‌ای است که مورد قبول جامعه بین‌المللی دولتها مجموعاً واقع گردیده و به‌عنوان قاعده‌ای که مطلقاً استثنای پذیر نبوده و تنها به‌وسیله قاعده دیگر حقوق عام بین‌الملل که دارای همان ویژگی باشد قابل تغییر است، به‌رسمیت شناخته شده است».

گرچه ماده 4 کنوانسیون ترتیبات آن را تنها قابل تسری به معاهداتی می‌داند که پس از قابلیت اجرای این کنوانسیون منعقد شده باشند، اما در عین‌حال نظر به مضمون ماده 64 باید گفت تضمین کافی برای ثبات معاهدات داده نشده است.

در هر صورت، مبهم بودن اصطلاح قواعد آمره حقوق بین‌الملل این امر را تشدید

می‌کند. شاید بتوان گفت که نویسندگان عهدنامه وین با تشریح این ماده اقدام به اخلاقی کردن حقوق کرده و از اصول «حقوق طبیعی» به‌عنوان مبنای فلسفی و مذهبی حقوق بشر الهام گرفته‌اند. آنچه مسلم است اینکه صرف پذیرش قواعد آمره حقوق بین‌الملل علی‌رغم محدودیت‌هایش در کنوانسیون، جنبه‌های دیگر آن را تقویت کرده و نیز پیش‌بینی نحوه حل و فصل اختلافات را لازم ساخته است.

توجه به مسئله حل و فصل اختلافات از تلاش‌های مثبت کمیسیون حقوق بین‌الملل در تنظیم کنوانسیون وین محسوب می‌گردد. به‌موجب ماده 66 در صورت بروز اختلاف درخصوص اجرا یا تفسیر مواد 53 و 64 (راجع به قواعد آمره حقوق بین‌الملل)، هر دولت متعاقد می‌تواند به‌موجب دادخواست موضوع را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع نماید، مگر آنکه همان ماده اختلافات ناشی از دیگر مواد بخش پنجم کنوانسیون را به روش سازش که در ضمیمه آن پیش‌بینی شده، قابل ارجاع دانسته باشد.

روش ماده 66 اشکالاتی را دربردارد:

الف - حل و فصل اختلافات ناشی از اجرای مواد عهدنامه، سوای بخش پنجم، کاملاً منسکوت گذاشته شده است.

ب - رسیدگی قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری نه فقط به مورد مواد 53 و 64 محدود شده است بلکه در این خصوص هم روش پیش‌بینی شده آسیب‌پذیر بوده و بستگی به قبول طرفهای دیگر دعوی خواهد داشت.

ج - روش سازش که در ضمیمه عهدنامه پیش‌بینی شده است اشکالات عدیده دارد:
- برای دبیرکل سازمان ملل نقشی آنقدر مهم قائل شده که از حدود اختیارات وی در چارچوب منشور سازمان ملل متحد خارج است.

- جنبه محرمانه کوششهای سازش‌دهنده که شرط اساسی موفقیت او است، رعایت نشده و خواسته شده که گزارش کمیسیون مربوطه به دبیرکل تسلیم گردد.

- لیست دائمی «سازش‌دهندگان» صرفاً مرکب از حقوقدانان است؛ در حالی که در مواردی علمای تاریخ، اقتصاد و سیاست بیشتر می‌توانند در سازش مؤثر باشند.

- گزارش کمیسیون سازش و توصیه‌های آن از حمایت اجرا برخوردار نیست.

– علي رغم ابهاماتي که در خصوص قواعد
آمره حقوق بين الملل وجود دارد و
اشکالاتي که بر روشهاي حل و فصل اختلافات
راجع به اجرا و تفسير معاهده مترتب
مي باشد، کنوانسيون وين درباره حقوق
معاهدات اهميت فوق العاده خود را
به عنوان يك سند بزرگ حقوق بين الملل حفظ
کرده است. باري، کنوانسيون 1986 وين
در خصوص «معاهدات منعقدہ بين دولتها و
سازمانهاي بين المللي» که اخيراً تنظيم و
براي امضا افتتاح شده، سعي کرده است از
اين اشکالات و ابهامات عاري باشد، که
خود مستلزم بررسي و توضيح مستقل خواهد
بود.

چون عهدنامه يك سند حقيقي است و
کلمات و اصطلاحات آن با مطالعه انتخاب و
درج شده است، لذا در ترجمه متن نیز سعي
شده که در عين حفظ رواني و سلامت بيان،
از حدود متن تجاوز نشود. به همين لحاظ
شاید در بعضي موارد عبارات ثقیل و
پیچیده به نظر آید؛ اما براي حفظ امانت
– آن هم در ترجمه متن يك عهدنامه
بين المللي – چاره اي جز اين نبوده است.

به هر حال، ترجمه حاضر از متن انگلیسی
به عمل آمده است.